



عبدالاحمد فیض

مبنای حقوقی اعزام احتمالی نیروی زمینی ریاض و انقره در قلمرو سوریه.

درین مراحل نهایت حساس نبردهای خونین و اسفناک داخلی در جمهوری عربی سوریه که با مخالفان گوناگون داخلی، منطقوی و جهانی بخاطر دفاع از حق حاکمیت و آزادی ملی اش در نبرد قرار داشته و ارتش شجاع، ابدیده و یکپارچه آن کشور در دفاع قاطع از آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه متحد در میدانهای نبرد در برابر بیرحمترین و سفاکترین گروه های تروریستی از قبیل داعش، جبهه النصره و جیش الاسلام که در فهرست سیاه جنایتکاران بین المللی قرار دارند، به پیروزیهای چشمگیری دست یافته اند، هستند کشورهای معین که این پیروزیهای ملت سوریه را با منویات و اهداف خصمانه راهبردی که در کشور سوریه دارند در تعارض دانسته و بدون اهتمام با اصول و معیار های رایج در نظام بین الملل، از آمادگی های خویش مبنی بر اعزام نیروی مسلح زمینی در قلمرو سوریه به بهانه مبادی رزه علیه داعش خبر داده است. اعلام گسیل نیروی مسلح سوریه که از سوی حلقه های حاکم در ریاض و انقره اتخاذ گردیده است درین اواخر با سروصداهای تبلیغاتی گسترده در محافل مطبوعاتی کشورهای فوق، حوزه شرق میانه و در سطح جهانی همراه گردیده و با عکس العمل های متفاوت به سبب پیاپی مدهای وخیم ناشی از آن مواجه گردیده است.

اقای چاووش اغلو وزیر امور خارجه ترکیه ضمن صحبت مطبوعاتی، درین مورد فاش نموده است که همین اکنون به تعداد یکصدوسی نظامی سعودی و بم افکن های نیروی هوای آن کشور در پایگاهی بنام (انجیر لیک) در خاک ترکیه مستقر گردیده است تا گویا در چهارچوب ائتلاف بین المللی ضد داعش مقدمات یک حمله گسترده نظامی را در قلمرو سوریه تدارک نماید، همچنان گزارشاتی از منابع رسانه ئی گواه بر آنست که حملات مستدام و گسترده توپخانه ئی ترکها در شمال سوریه یعنی در مناطق استراتژییک تحت اداره رزمندگان دلیر کرد های سوری که علیه گروه داعش در نبرد قرار دارند، شدت بی سابقه کسب نموده و تحرکات مبنی بر استقرار نیروهای مخفی به عزم یک تهاجم گسترده مسلحانه بر ضد رژیم بر سر اقتدار در دمشق در کشورهای مجاور طراحی گردیده است.

بدیهی است که ریاض و انقره از بدوی نضج گیری بحران داخلی سوریه در مارچ (۲۰۱۱) میلادی در گسترش جنگ داخلی در آن کشور با ارائه همکاری های همه جانبه تسلیحاتی، سیاسی و اطلاعاتی به معارضان دولت سوریه دست داشته و نیات خویش را در سرنگونی نظام سیاسی حاکم دمشق هیچگاهی کتمان نه نموده است، اما علی الرغم سیاست ضد سوری مبنی بر تداوم نبردهای ویرانگری نیابتی در قلمرو آن کشور که بدنام ترین و بیرحمترین گروه های تروریست در آن دست دارد، شکست پیهم این گروه های اجیر بوسیله نیروهای مسلح سوریه که از حمایت نیروی قدرتمند - هوایی روسیه بهره مند هستند، موجب گردیده است که مخالفان منطقوی رژیم سوریه سیاست تجاوز اشکارا مبنی بر اعزام نیروهای مسلح زمینی در زیر چتر حمایتی ائتلاف بین المللی ضد داعش در خاک سوریه را اتخاذ نمایند. سوالیکه درین مختصر در پی دریافت پاسخ به آن هستم این است که آیا اقدامات ریاض و انقره مبنی بر گسیل احتمالی نیروی زمینی در جغرافیای کشور مستقل سوریه با میکا نیز مهای مشروع حق توسل بزور در حقوق بین المللی همخوانی دارد؟

برای دریافت پاسخ به پرسش فوق، عملکرد احتمالی کشورهای فوق را در اعزام نیروی مسلح در خاک سوریه در مطا

بقت بامیکانیزمها و روشهای رایج توسل بزور در حقوق بین المللی مورد بررسی قرار داده تا مشروعیت و یا عدم مشروعیت اقدامات ازین گونه را در چهارچوب اصول و هنجارهای جهانشمول برجسته سازیم:

الف- توسل به زور بر مبنای فیصله شورای امنیت.

اعطای مجوز حقوقی توسل بقوه از براننده ترین صلاحیتهای شورای امنیت سازمان ملل متحد است که در فصل هفتم ماده (۴۲) منشور تسجیل گردیده است . حق کاربرد نیرو مسلح که در حیطه صلاحیت انحصاری شورای امنیت ، درست در چنان برهه حساس زمانی اتخاذ میگردد که دولت و یا چند کشور مستقل مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته و بالنتیجه امنیت جمعی در معرض چنان خطرات گسترده قرار گیرد ، که دفع و طرد خطرات ناشی از تجاوز بدون تجویز استعمال زور در برابر کشور متخلف مقدور نباشد . (صلاحیت شورا در جنب توسل بقوه اعزام نیروی پاسدار صلح رانیز حاوی است که چگونگی اتخاذ تصمیم درین دومورد بادر نظرات تفاوت رخدادها از هم متمایز میگردد.) لذا بادر نظر داشت این اصل ، هیچگونه خطری که بر پایه کاربرد زور و تجاوز استوار باشد ریاض و انقره را از جانب دمشق تهدید نمی نماید. بنابراین کاربرد نیرو مسلح در فقدان قطعنامه شورای امنیت در خاک سوریه و جاهت حقوقی نداشته لذا اقدامات مبنی بر استعمال زور علیه جمهوری سوریه به هر عنوانی و بهانه که انجام گیرد، نقض اشکار حق حاکمیت یک دولت مستقل و تجاوز تعریف میگردد.

ب- توسل بقوه بر مبنای اصل دفاع مشروع.

استعمال زور بر اساس حق دفاع مشروع بروفق ماده (۵۱) منشور درست زمانی مشروعیت کسب مینماید ، که یک کشور مورد تهاجم مسلحانه بالفعل و بلقوه یک و یا چند کشور دیگر قرار گیرد. بنا بران هرگاه اعزام نیروی زمینی در قلمرو سوریه رادر قالب حق دفاع مورد ارزیابی قرار دهیم ، فقدان عنصر تجاوز مسلحانه از جانب سوریه حق استفاده از ابزار زور در عملکرد مدعیان توسل بقوه رادر قلمرو سوریه بوضوح منتفی نموده و یا اصولاً استعمال قوه در قالب دفاع مشروع درین نحوه برخورد از منظر حقوقی مطرح بحث نمیگردد.

ج- استعمال قوه بر بنیاد اصل دخالت بشردوستانه.

توسل به ابزار زور و یا اعزام رزمندگان مسلح در خاک غیر، بتأسی از اصل مداخله بشردوستانه در روابط خارجی در فرصتی مشروعیت میتواند داشته باشد ، که حقوق و ارزشهای اساسی بشری و موازین حقوق انسانی در جغرافیای تحت حاکمیت یکدولت به شیوه اسفناک ، فاجعه بار و یا با ابعاد گسترده ان یا بوسیله رژیم حاکم و یا طرفهای متحارب در یک منازعه داخلی نقض گردیده که دفع چنین وضعیت حاکم بدون توسل بزور محتمل نباشد. بایست اذعان داشت که توسل بقوه بر بنیاد اصل مداخله بشردوستانه ، در پرا تیک روابط دول محبوبیت و طرفدارانی چندانی نیز ندارد زیرا استناد بدین اصل در موارد متعدد به بهانه ئی برای تجاوز مبدل گردیده است اما علی الرغم ان ، دخالت مسلحانه بر بنیاد اصل دخالت بشردوستانه ، درست زمانی عملی پنداشته میشود که تجویز حقوقی شورای امنیت ملل متحد رابا خود داشته و به ابزار سرکوب و سرنگونی نظام حاکم مبدل نگردد، در غیر این حالت بروفق معیارهای پذیرفته جهانی مشروعیت خود راز دست میدهد. فلهاذ هرگاه عملکرد احتمالی ریاض و انقره از منظر دخالت بشردوستانه به بهانه مبارزه علیه داعش و سایر گروههای فعال تروریستی در عرصه نبرد داخلی سوریه مورد ارزیابی حقوقی قرار گیرد ، درین حالت نیز تجویز شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر کاربرد نیروی مسلح در قلمرو تحت حاکمیت دولت سوریه بمتابه یگانه ساختار مشروع اهمیت ویژه کسب نموده و فقدان قطعنامه شورای امنیت درین خصوص هرگونه تلاش را در راستای حق توسل بقوه قهریه (نیروهای مسلح) منتفی میسازد.

د- توسل به اعزام نیرو و خاک سوریه به استناد قطعنامه های شورای امنیت در مبارزه علیه داعش.

شورای امنیت سازمان ملل متحد از بدو ظهور گروه تکفیری داعش و گسترش فعالیتهای تروریستی این گروه در عراق و سوریه نخستین بار قطعنامه شماره (۲۱۶۹) مورخ (۳۰) جون (۲۰۱۴) را بر بنیاد احکام فصل ششم منشور ، در پیوند با نحوه عملکرد و ماهیت اقدامات ضد داعش صادر نمود و درین قطعنامه از همه اعضا مطالبه شد تا مساعی

شاندر مبارزه علیه گروه های دهشت افکن و بویژه رزمندگان خلافت اسلامی (داعش) در سطوح مختلف هماهنگ نماید. درین تصمیم شورای امنیت که مبنای حقوقی آن احکام مندرج در فصل ششم منشور قرار گرفت ، تدابیر و اقدامات عملی در قالب توسل به اقدام نظامی علیه داعش منتفی دانسته میشود. سپس شورای امنیت با تشدید حملات و جنایات وحشتناک تروریستی گروه های شرارت پیشه و بخصوص داعش در سوریه و عراق ، بالترتیب به اصدار قطعنامه های شماره (۲۰۱۷۰) در زمینه اعمال تحریمهای مالی و تسلیحاتی گروه تکفیری ، قطعنامه ۲۰۱۷۸ مورخ (۲۴) نوامبر (۲۰۱۴) که حاوی اتخاذ تدابیر عملی ضد داعش ، متکی بر احکام ماده (۴۱) فصل هفتم در برابر تروریستان دولت اسلامی شام-عراق بود ، فیصله شماره (۲۱۹۹) مورخ (۱۲) فبروری (۲۰۱۵) که ممنوعیت تجارت با داعش در خصوص فروش منابع نفتی و آثار تاریخی سوریه را ممنوع اعلام داشت و قطعنامه (۲۲۴۹) مورخ ۲۲ نوامبر (۲۰۱۵) که بتأسی از صراحت حکم ماده (۴۱) فصل هفتم منشور سا زمان ملل تصدیق شد و در آن از گروه تکفیری داعش بعنوان یک تهدیدی بی سابقه ضد صلح و امنیت جهانی یاد دهانی گردیده و هکذا از کلیه دولت های عضو- تقاضا بعمل آمد تا در نبرد علیه این گروه با در نظر داشت امکانات داخلی شرکت نمایند. فلذا بوضوح می توان اذعان کرد که تاکنون هیچ کدام از قطعنامه های صادره شورای امنیت سازمان ملل متحد حق توسل بزور را در قالب اعزام نیروی زمینی ب خاک سوریه حتی در مبارزه علیه گروه های تروریستی منجمله داعش تجویز نه نموده است . بنابراین اقدام نظامی با کاربرد نیروهای زمینی در قلمرو جمهوری عربی سوریه ناقض حق حاکمیت آن کشور و با اصل همزیستی مسالمت امیز و پرنسب عدم مداخله و تجاوز در تعارض اشکار قرار میگیرد. بر بنیاد اصول حقوق بین الملل این فقط تجویز حقوقی شورای امنیت و یا موافقت دمشق با پارتنرهای خارجی آن کشور است که به حق - توسل بقوه و یا حضور قشون خارجی در آن کشور صحت گذاشته در غیر آن استفاده از ابزار زور در فقدان فیصله شورای امنیت و یا حق دفاع مشروع در ساحه تحت حاکمیت غیر ، تجاوز بی چون چرا به حق حاکمیت دیگران توصیف می گردد. در وضعیت جاری ، موضعگیری ،ارایش نیرو و اوقات سیاسی و اطلاعاتی در دو کشور - سعودی و ترکیه بیانگر آنست که این دو کشور در تبنانی با سایر قدرتهای منطقه و بین المللی شدیداً در صدد ان قرار دارند تا با بسیج افکار عمومی در کشورهای متحد زمینه هارا برای اجرای مجدد سنا ریوی لیبی که قطعنامه شماره (۱۹۷۳) شورا ، با این محتوی که مداخله نظامی در خاک لیبی را منتفی و با تجویز منطقه ممنوعه پرواز تحت عنوان حمایت از غیر نظامیان ، باعث دخالت گسترده غرب در آن کشور شد ، در سوریه فراهم و میکوشند تا با کسب رضایت ائتلاف بین المللی ضد داعش بر هبری ایالات متحد ، زمینه های سئو استفا ده از قطعنامه های سازمان ملل متحد را که توسل بزور با فرستادن قوتهای رزمی زمینی را بصورت قطع منافی میسازد ، به عزم سرکوب دمشق مساعد نمایند.

این کشورها که سیاست های خصمانه ضد سوری خویشرا در تحت پوشش حق حاکمیت و امنیت ملی شان توجیه مینمایند بوضوح خواهند دانست که حق حاکمیت ، منافع و امنیت ملی از اهمیت یکسان در نظام بین الملل برخوردار بوده و به استناد این بیان پروفیسور میشل فوچراستا د ژوپولتیک فرانسه که گفته است ((حق حاکمیت دولت سدی برای دولتهای جنایتکار نیست که در عقب ان سنگر گرفته بر ضد حاکمیت دیگران تجا و زنا مید.)) لذا دول فوق مکلف میگردند تا اصول بین المللی را در مناسبات جهانی با حفظ احترام به حق حاکمیت سوریه رعایت نموده و از تصامیم جنون امیز زمینی بر اعزام نیروی مسلح زمینی که به مفهوم اعلام جنگ است در قلمرو سوریه پرهیز و از رویاروی و نبرد با ائتلاف سوریه که پیا مد های ناگواری در قبال دارد اجتناب خواهند نمود ، در غیر آن هماگونه که طیف وسیع از آگاهان امور بین الملل معتقد هستند عاملان و حامیان توسل بزور در بحران سوریه مسوولیت یک جنگ تمام عیار را که نه تنها امنیت در خاور میانه بلکه ثبات جهانی را به مخاطره خواهند انداخت ، ضمن نابودی خودی ، بدوش خواهند کشید.

